

تبیین الگوی رشد کیفی انسان

علی محقر*، محمدرضا حمیدی زاده**، مجتبی امیری***، علیرضا احمدی****

چکیده

متفاوت بودن شرایط هر کشور در مبانی فلسفی و معرفتی، ضرورت طراحی الگویی متناسب با نیاز جامعه در راستای حل مسائل آن، با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی را ایجاب می‌نماید. باورها و ارزش‌ها بویژه در جوامع مذهبی، نگرش‌ها و رفتارها را اصلاح و تعدیل کرده و آنها را شکل می‌دهد. هدف این پژوهش تبیین الگوی رشد کیفی انسان، به‌عنوان زیربنا و شالوده باورها و ارزش‌های انسان است. این تحقیق درصدد پاسخ به این سه سؤال است. (۱) رشد کیفی انسان دارای چه سازه‌ها و مؤلفه‌هایی است؟ (۲) تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این مؤلفه‌ها بر یکدیگر چگونه است؟ (۳) و درنهایت مدل پویای رشد کیفی انسان چگونه است؟ از این‌رو، روش تحقیق در این مقاله از نوع روش کیفی تحلیل محتوی، معرفت‌شناسی تفسیری و پدیدارشناسی است. جامعه آماری این تحقیق سی‌وپنج پژوهش مرتبط و معتبر است. سیستم پویای رشد انسان یک مفهوم چندبعدی است، شاخص‌های تشکیل‌دهنده آن، با دارا بودن روابط پویا، اثر متقابل و تشدید شونده بر یکدیگر دارند. هر چه انسان از باورها و ارزش‌های سالم‌تری برخوردار باشد، فهم و درک او نیز شایسته‌تر بوده، زاویه نگاه به مسائل و جهت‌گیری‌های او در تحلیل محیط و مؤلفه‌های یک مسئله، از کیفیت بهتری برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: رشد کیفی انسان؛ پویایی‌شناسی سیستم؛ تحلیل محتوی؛ انسان در قرآن؛ باورها و ارزش‌ها.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۰۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵
* استاد، دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: amohaghar@ut.ac.ir

** استاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

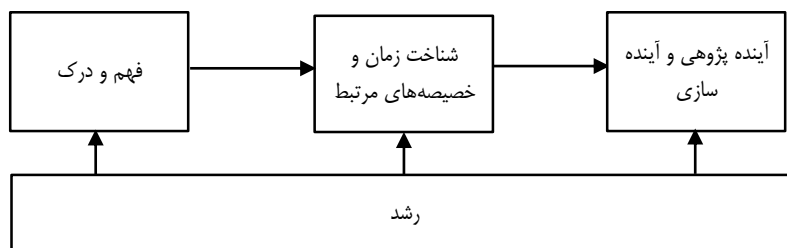
*** دانشیار، دانشگاه تهران، ایران.

**** دانشجوی دکتری، پردیس البرز دانشگاه تهران، ایران.

۱. مقدمه

بخش مهمی از مشکلات اجتماعی و فرهنگی امروز جامعه، با نظریه‌های رایج صاحب‌نظران، حل‌شدنی نیست. شاید دلیل اصلی ناسازگاری این موضوعات، به تطابق اندک راه‌حل‌ها، با فرهنگ و ساختارهای جامعه دینی برگردد [۲۴]. نگرش اسلام به توسعه رویکردی متفاوت به رشد و توسعه است. بر اساس این رویکرد، جامعه‌ی متشکل از انسان‌های آگاه، سالم و ثروتمند، الزاماً پیشرفته نیست، بلکه عناصر دانش، سلامت و درآمد، حتی می‌تواند، موجب غفلت انسان و در نهایت سقوط تمدن‌های بشری شود. در نگرش اسلامی، بعد چهارم پیشرفت، خداگونه شدن است. در جامعه انسانی رشد و پیشرفت عبارت است از، تربیت انسان‌های آگاه، سالم، پر درآمد و خداگونه. عنصر چهارم ابزاری است برای محافظت از دانش، سلامت و درآمد، از مسیر انحراف و انحطاط. در این تفسیر، که می‌توان آن را رشد متعالی نامید، خداگونه شدن انسان‌ها الزامات خاصی بر دانش، سلامت و دارایی افراد وضع می‌کند. ارائه تعریف متفاوت از پیشرفت می‌تواند تغییری اساسی در راهبردهای رشد و همچنین شاخص‌های ارزیابی آن ایجاد کند. تعریف رشد متعالی، مستلزم به رسمیت شناختن راهبردهایی است که می‌تواند در خدمت بالاترین هدف از اهداف چهارگانه فوق، یعنی «خداگونه» شدن و رسیدن به حیات طیبه، قرارگیرد [۱۰]. کیفیت فهم و درک انسان، که ریشه در رشد کیفی فرد داشته و متأثر از اندیشه و نیت اوست، نقش محوری در برنامه‌ریزی، تدبیر راه‌حل‌ها و به‌طور کلی، مجموعه تصمیمات منتج به اعمال فرد دارد [۱۳]. اگر فهم و درک به‌طور شایسته شناخته‌شده و معماری شود، می‌توان آن را مدیریت کرد. با سازکار فهم و درک درست، می‌توان پدیده حیات و شاه‌راه زمان را شناخت، نقش و سازوکارهای آن را تدوین و مورد بهره‌برداری قرار داد، سپس ساختمان آینده را از درون زمان بیرون آورد و بر مبنای آن عمل نمود. (شکل ۱) [۱۸].

موضوع محوری این تحقیق، شناخت و تبیین الگوی رشد کیفی انسان است. در این راستا، در گام نخست ضمن بررسی مبانی نظری و ابعاد این پدیده در مبانی نظری و پیشینه مرتبط، با مبنای قرار دادن سؤالات تحقیق، برآوردی از خطوط راهنمای کلی جهت استخراج مؤلفه‌های مؤثر حاصل می‌شود. در گام دوم، با رویکرد تحلیل محتوا، و تمرکز بر تفسیر المیزان، مؤلفه‌های اصلی این پدیده شناسایی و در راستای شناخت بیشتر آنها، منتخب پیشینه تحقیق مورد بررسی عمیق‌تر قرار گرفته و اصول و قضایای حاکم بر آنها تدوین می‌شود. در گام سوم با استفاده از اصول و قضایای استخراج شده در مرحله قبل، جدول روابط و نمودار اولیه ارتباط بین مؤلفه‌ها تنظیم می‌شود. در گام چهارم با مبنای قرار دادن، نمودار اولیه و بررسی دقیق‌تر هر یک از مؤلفه‌ها در مبانی نظری موضوع، سایر روابط موجود در این سیستم استخراج و تدوین می‌شود. با اتمام این مرحله، در نهایت یافته‌های تحقیق تحت عنوان، مؤلفه‌های مؤثر، روابط بین آنها و الگوی رشد کیفی انسان تبیین و ارائه شده است.



شکل ۱. الگوی تعاملی نظریه‌های فهم و درک، زمان‌شناسی و آینده‌سازی [۱۸].

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

انسان با دانش، ایمان و عمل صالح می‌تواند رشد کند و به قرب الهی نائل شود. از نظر قرآن این عوامل هستند که موجب کنار رفتن طبیعت منفی انسان شده و موجب بروز فطریات مثبت او می‌شوند. انسان با یاری عوامل رشد می‌تواند استعدادهاى نهفته در وجود خود را به فعل تبدیل کرده و گرایش‌های منفی را که در نهاد او است، کنار گذارد. بروز و نمود استعدادهاى انسانی یعنی نیروهای فطری مثبت که در ضمیر انسان قرار داده شده است، نیازمند مجموعه‌ای از عوامل رشد هستند. انسان هنگامی می‌تواند به سمت مبدأ وجود حرکت کند، که قدم به‌سوی پروردگار برداشته و در سایه ایمان به خدا دست به انتخاب و عمل بزند. «وَالْعَصْرَ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ. سوگند به عصر، همانا انسان در خسران است، مگر آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کردند و یکدیگر را به حق و شکیبایی سفارش نمودند» (عصر/ ۱-۲). این بیان نورانی به‌روشنی عنوان می‌کند، چنانچه انسان از ایمان و عمل صالح رویگردان باشد در خسران خواهد بود. در خسران، انسان اصل سرمایه خود را از دست می‌دهد، نه سود و منافع خویش. به‌حقیقت اگر انسان بی‌ایمان باشد و از عمل صالح خودداری نماید، اصل هستی خود را ضایع خواهد کرد. به این معنی که سرمایه خدادادی خود را از کف خواهد داد. فردی که به خدای رحمان ایمان ندارد و عملی صالح انجام نمی‌دهد، نیروهای درونی مثبت خود را به فراموشی سپرده و آنها را به انحراف خواهد کشاند. لذا خداوند رحمان می‌فرماید، تمام افراد بشر در خسران هستند، نمی‌فرمایند افراد بشر زیانکارند، زیرا می‌خواهد متذکر شده و تأکید نمایند، انسانی که از ایمان و عمل صالح تهی باشد، غرق زیانکاری و خسران خواهد بود. ولی اگر به خداوند ایمان آورده بود و عمل صالح انجام می‌داد، رشد و تکامل در انتظار او بود. «من آمن بالله و اليوم الآخر عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم. کسی که به خدا و روز جزا ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد، پس برای آنها نزد پروردگارشان اجری است» (بقره/ ۶۲).

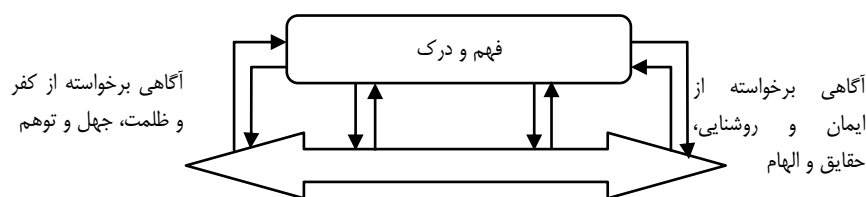
از منظر قرآن، هر یک از این سه عنصر (دانش، ایمان و عمل صالح) دارای ارزش هستند و هر کدام می‌تواند موجب شود، انسان در درجه‌ای از رشد قرار گیرد، ولی هنگامی فرد می‌تواند از درجات بالای رشد و کمال برخوردار شده و لایق مقام خلیفه‌الهی شود که همه آنها در وجودش جوشش و جریان داشته باشد.

رشد کیفی انسان در عرفان. انسان به‌طور مستمر در حال شدن و نیل به‌غایت کمال و لقای خدای رحمان است. درک این نکته برای عارفان سهل است، حضرت علامه طباطبایی (ره) در بخش عملی در طریق سیر الی‌الله نکات مهمی را موردتوجه قرار داده و برای تکمیل انسانیت، غیر از موارد ذیل، همه راه‌ها را انحراف از مقام واقعی انسان می‌دانند. طریقه‌های مطروحه از نگاه ایشان عبارتند از: ۱) ترک عادات و رسوم: به معنای حذف امور غیرواقعی است که رهرو را از طی کردن مسیر منع می‌کند. شخص باید از تعلقات خاطر اضافی دوری کند و وجود خود را دست‌خوش امواج متلاطم قرار ندهد. ۲) اراده: وقتی رهرو گام در میدان مجاهده نهاد، رخدادهای درونی از سمت هوای نفس و مشکلات بیرونی از جانب دیگران تلاش می‌کنند او را از مقصد دور سازند. لذا باید در مقابل همه‌ی مشکلات ایستادگی و مقاومت شایسته نموده و با صبر و توکل مسیر خود را ادامه دهد. ۳) مدارا: جهت دستیابی به کمال، مدارا کردن از اهم امور است. در انجام امور عبادی رعایت مدارا، شرطی ضروری است. مانند فردی که می‌خواهد غذا میل کند، لازم است غذایی را انتخاب نماید که با مزاج او سازگار است و زمانی که سیر شد از غذا دست بر دارد. در روایات وارد شده است که نوافل را با اکراه انجام ندهید. ۴) وفای به عهد: ضروری است به آنچه با خدای خود عهد نموده، وفادار باشد «أَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ» (بقره/ ۴۰). هرگاه عمل سوئی با جهالت انجام شود و توبه نماید، به توبه خود وفادار بوده و دوباره مرتکب عمل سوء نشود. ۵) صبر: برای رهرو ضروری است، عملی را که مطابق توانایی‌های اوست انتخاب نماید تا بتواند در آن مسیر صبر و ثبات

خویش را حفظ نماید. ۶) مراقبه: به منظور جلوگیری از انحراف به سمت گناه و تخطی از وظیفه، در همه احوال باید از اعمال خویش مراقبت نمود. ۷) محاسبه: در شبانه‌روز، وقتی را تعیین نموده و به کارهای خود رسیدگی کند. در روایات زیادی از معصومین (ع) وارد شده است؛ آن که اهل محاسبه نباشد از ما نیست. ۸) مؤاخذة: رهرو پس از مشاهده خیانت نفس، لازم است او را از تکرار آن منع نماید. ۹) مسارعت: در آنچه اراده کرده از هوش خود حداکثر استفاده را نماید. ۱۰) ارادت: ارادت خود را به صاحب شریعت به گونه‌ای خالص کند که هیچ مشکلی در آن نباشد. شبه‌های غیر الهی موجب کندی حرکت می‌شود. ۱۱) آداب‌نگاه‌داشتن: توجه کردن به حریم خویش و تجاوز نکردن از آن، که خلاف عبودیت از او سر نزند. ۱۲) نیت: همه اعمال انسان با نیت سنجیده می‌شود. بنابراین نیت باطنی، شرط قبول اعمال حسنه است. خداوند اراده کرده، اسما خود را در موجودی قرار دهد که جامع حقایق عالم را دارا باشد. انسان نسخه جامع و صحیفه کامل الهی است و قابلیت این را دارد که مظهر ذات الهی قرار گیرد.

چیست انسان دیده بینا بود جامع مجموعه‌ی اسما بود
مخزن اسرار سبحانی است او مطلع انوار ربانی است او [۳۴].

نظریه فهم و درک. فهمیدن که دریافت، تفسیر، تحلیل و اخذ نتیجه از پیام است، دارای سطوح و مراتب مختلف است. هر یک از این سطوح، انرژی ویژه‌ای از آگاهی و شناخت را می‌طلبد. این انرژی دستاورد تفکر است که حاوی امواج فکری است. هر موج، سطحی از حقیقت را بکار می‌گیرد و میوه آن راستی و روشنایی است. بینایی قلبی و مغزی و توانایی دیدن، جلوه‌ای از مرتبه فهم، درک و ایمان به حقیقت است. پیام و فکر، سطحی از نور ویژه مرتبط با ماهیت آن، با رایحه خاص برای صاحبش به همراه می‌آورد. فهم، درک و آگاه شدن خوب و به شناخت رسیدن همراه با رفتار و عمل، اقبال و سعادت است. پایه این نعمت، پاک بودن دل از امراض روحی و اخلاقی است. در کار فهمیدن، ساز و کار ذهن از طریق دوباره سازمان دادن عناصر جدید و به‌صورت کل یگانه در آوردن، عمل می‌کند. راه ارتقای سطح و مرتبه فهم و درک رایج افراد، رسیدن به فهم و درک الهی است. شکل ۲ دامنه آگاهی را بر پایه فهم و درک نشان می‌دهد [۱۸].



شکل ۲. فهم و درک بر پایه دامنه آگاهی [۱۸].

پیشینه پژوهش

خلیلیان و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهش مبانی و معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام، با استفاده از روش تحلیلی-استنباطی، معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه قرآن و روایات را استخراج نموده و مبانی حاکم بر آن را تبیین نموده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، دین‌داری، علم و معرفت، آزادگی و کرامت و کار و تلاش شاخص‌های پیشرفت انسانی موردنظر اسلام هستند. در این تحقیق، برای شاخص پیشرفت انسانی علاوه بر در نظر گرفتن معیارهای متعارف توسعه انسانی از جمله، علم، سلامت و رفاه نسبی، عوامل دیگری از جمله دین‌داری، معرفت، کرامت و آزادگی نیز موردتوجه قرار گرفته است. معیارهای معرفی شده برای پیشرفت انسان

در این پژوهش بر مبنای اصول فکری اسلام و نگاه متعالی اسلام به انسان و ضرورت تکامل او قرار دارد. در این تحقیق به شاخص‌هایی متمایز برای پیشرفت انسان نسبت به سایر مکاتب اشاره شده است [۱۶]. توکلی (۱۳۹۰)، در پژوهش روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفت‌مان قرآنی، بیان می‌دارد پذیرش مفهوم قرآنی توسعه و پیشرفت، موجب تحولی اساسی در تدوین معیارها و شاخص‌های مرتبط می‌شود. بر اساس گفت‌مان قرآنی، توسعه جوامع انسانی، به مفهوم تعالی افراد آن جوامع برای دستیابی به حیات طیبه در سرزمینی پاک و آباد، مرتبط است. این مفهوم تعالی از توسعه انسانی را که از آن به‌عنوان پیشرفت انسانی یاد می‌شود، می‌توان با توجه به کلام وحی در آسیب‌شناسی تمدن‌ها و در چارچوب مؤلفه‌های اخلاقی، فکری، جسمی-روانی و درآمدی انسان، بازشناسی نمود. در چارچوب معرفی شده در این پژوهش، شاخص‌های ترکیبی پیشرفت انسانی برای تحقق این توانمندی‌های چهارگانه اندازه‌گیری می‌شود [۱۰]. زریباف و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش مؤلفه‌های نظام تصمیم‌گیری اقتصادی در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بیان می‌کنند، یکی از نظریه‌ها در خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نظریه عقلانیت دینی است. در این نگرش تمرکز اصلی بر روی اصالت عقل در الگوی اسلامی قرار دارد. به این مفهوم که عقلانیت رابطه بین خالق و مخلوق را تفسیر می‌کند، و به‌طور هم‌زمان از منظری دیگر نیز رابطه بین سایر پدیده‌ها و همچنین رابطه انسان با دیگر پدیده‌ها را تبیین می‌کند. در این رویکرد به‌صورت سیستماتیک، چارچوبی تحلیلی از چگونگی ارتباطات منطقی ارائه می‌شود. به بیان نویسندگان این مقاله، عقلانیت متعالی زمانی تحقق پیدا می‌کند که معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی، به‌طور اثربخش تحقق یابد. در زمینه ارزش‌شناسی نیز تفکر شیعه اعتقاد دارد، افعال دارای حسن و قبح ذاتی هستند. این حسن و قبح با عقل و شرع قابل درک است. مجموع این عقل و شرع، سیستم تشکیل‌دهنده ارزش‌ها را می‌سازد [۲۴]. بهبودی (۱۳۹۸)، در پژوهش بازشناسی مفهوم خودکارآمدی منابع انسانی از منظر نهج‌البلاغه نتیجه گرفته است، کارآمدی منابع انسانی دارای دو بعد است، بعد اول شامل سه مقوله خودشناسی و خودسازی، توکل به خداوند در کارها و دانش‌اندوزی است، و بعد دوم، پیامدهاست، که سه مقوله عمل‌گرایی و استقامت در کار، حساسی و مراقبه و سعه‌صدر و شکیبایی در برابر مشکلات را در بر می‌گیرد و با مفهوم غربی آن در برخی ابعاد تفاوت دارد [۹]. در همه پژوهش‌های مذکور تلاش‌های ارزشمندی در راستای تبیین شاخص‌های کلیدی پیشرفت انسان در جهان‌بینی اسلامی و قرآنی صورت گرفته است، ولی نکته‌ای مشترک که در همه این پژوهش‌ها قابل توجه است و به‌عنوان یک خلأ تئوریک قابل‌شناسایی است، عدم اتخاذ یک رویکرد سیستمی در شناسایی و تبیین شاخص‌های مورد مطالعه است. بدون شک، حضور و وجود شاخص‌های استخراج شده در سیستم رشد انسان به‌طور مستقل نبوده و همه این شاخص‌ها به‌طور متقابل بر یکدیگر اثر دارند. توجه به مفهوم درون‌زا بودن شاخص‌ها و تمرکز بر روابط غیرخطی و حلقه‌های علی معلولی بین این شاخص‌ها در قالب یک سیستم پویا، و آشکار نمودن پویایی‌های موجود در روابط آنها، فضایی است که تحقیق حاضر سعی در پرداختن به آن دارد. پژوهش‌های شاخص و منتخب مرتبط با موضوع این مقاله در جدول ۱ تنظیم و ارائه می‌شود. این تحقیقات با انتخاب رویکرد کیفی، تلاش داشته‌اند، تبیینی مناسب از رشد انسان از منظر اسلام و کلام قرآن ارائه نمایند. عامل محوری مورد توجه و تأکید هر یک از این پژوهش‌ها متفاوت است.

جدول ۱. مجمل پیشینه پژوهش

موضوع محوری	مباحث مورد طرح	نویسنده	سال انتشار	ردیف
-------------	----------------	---------	------------	------

ردیف	سال انتشار	نویسنده	مباحث مورد طرح	موضوع محوری
۱	۱۳۹۸	زریباف و همکاران	مؤلفه‌های نظام تصمیم‌گیری اسلامی-ایرانی پیشرفت	رشد، خودشناسی
۲	۱۳۹۸	امیری	شاخص‌های ارزیابی سبک‌های مدیریت اسلامی	خودشناسی
۳	۱۳۹۸	بهبودی و همکاران	مفاهیم خودکارآمدی منابع انسانی از منظر نهج‌البلاغه	عمل، تقوا، صبر
۴	۱۳۹۷	امیری و همکاران	تبیین سازمان مبتنی بر انسان(دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی)	عمل، اراده؛ خودشناسی
۵	۱۳۹۷	پاکدل و همکاران	الگوی توسعه منابع انسانی با رویکرد پویایی سیستم	رشد
۶	۱۳۹۷	شجاعی	تأثیر تقوای الهی بر عدالت سازمانی مدیران	تقوا
۷	۱۳۹۷	جوادی و همکاران	نقش و کارکرد نیت در مدیریت اسلامی	نیت
۸	۱۳۹۷	عطاران و همکاران	خطمشی‌گذاری فرهنگی بر پایه تقوا	تقوا
۹	۱۳۹۷	اسمعیلی گیوی	راهبردهای ارتقای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت	خودشناسی
۱۰	۱۳۹۷	جعفری و همکاران	تأثیر توکل بر گرایش تصمیم‌گیران بخش دولتی	توکل
۱۱	۱۳۹۷	موسوی کاشی و همکاران	نگرش و رویکرد اسلام در فرایند تصمیم‌گیری	عمل
۱۲	۱۳۹۷	ترک‌زاده	تقوا و عوامل رفتار سازمانی اسلامی	تقوا
۱۳	۱۳۹۶	میشری	انسان کامل از منظر قرآن و روایات	تفکر، تقوا، عمل
۱۴	۱۳۹۶	رام و همکاران	تبیین مفهوم تقوا از منظر انسان‌شناختی با تأملی در آیات قرآن و دلالت‌های آن در پرورش تقوا	تقوا
۱۵	۱۳۹۶	حدادزاده	شهود در تصمیم‌گیری راهبردی	توفیق
۱۶	۱۳۹۶	رستم‌زاده گنجی	الگوی سازمان ارزش بنیان‌بارویکرد اسلامی	تفکر، ایمان، رشد
۱۷	۱۳۹۵	فروزنده دهکردی و همکاران	عوامل و مؤلفه‌های شهود در تصمیم‌گیری از دیدگاه قرآن کریم	توفیق
۱۸	۱۳۹۲	نوروزی و همکاران	مفهوم انسان متعالی از منظر قرآن کریم	خودشناسی، ایمان، عمل
۱۹	۱۳۹۲	رضائیان و همکاران	مدل سیستمی رفتار انسان از منظر قرآن کریم	عمل
۲۰	۱۳۹۲	خلیلیان و همکاران	مبانی و معیارهای پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام	ایمان، خودشناسی، تفکر
۲۱	۱۳۹۱	شهروی و همکاران	شاخص‌های شخصیتی افراد رشد یافته از منظر قرآن	تفکر، ایمان، صبر، تقوا
۲۲	۱۳۹۰	محمدی، سالاری فر	نگاهی روان‌شناختی به «انسان کامل از دیدگاه قرآن»	خودشناسی، عمل، ایمان
۲۳	۱۳۹۱	شیعه‌زاده و همکاران	شاخص‌های توکل در تصمیم‌گیری حکیمانه	توکل

۳. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق درصدد پاسخ به این سه سؤال است. (۱) رشد کیفی انسان دارای چه سازه‌ها و مؤلفه‌هایی است؟ (۲) تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این مولفه‌ها بر یکدیگر چگونه است؟ (۳) مدل پویای رشد کیفی انسان چگونه است؟ از این رو، روش تحقیق در این مقاله از نوع روش کیفی شناخت محتوا و تفسیر آن است.

این پژوهش مشتمل بر مجموعه‌های متصل به هم از گزاره‌های بیان شده در آیات و روایات در خصوص رشد و کمال انسانی است. در این تحقیق، تحلیل منوط به درک و تفسیر مطالب و اسناد ارائه شده در خصوص رشد کیفی انسان در متون دینی و مذهبی است. مطابق آیات و روایات، رشد کیفی انسان، حاصل عمل اختیاری فرد است. عملی که با دانش و ایمان همراه بوده و استمرار لازم را به همراه داشته باشد. در این پژوهش، محقق با تعامل با موضوع‌های مطرح، سازه‌ها و مؤلفه‌های موضوع تحقیق، به شناخت آن نائل خواهد آمد. این پژوهش از نظر ماهیت، تحلیل محتوی است که به بررسی و تبیین و تحلیل موضوع رشد کیفی انسان در اسناد معتبر مذهبی پرداخته و با روش تفکر منطقی به استنتاج منطقی ورود یافته و عوامل را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این تحقیق موضوع‌های مطرح در سؤالات تحقیق، بر اساس رویکرد تفکر سیستمی و پویایی‌شناسی سیستم‌ها تفسیر

می‌شوند. این موارد در چارچوب اسناد معتبر در ذهن شکل خواهد گرفت. البته ساخت‌های ذهنی در سازمان دادن تفکر، تجربیات، کنش و واکنش‌های آنی کمک‌رسانی می‌نماید. پایایی و روایی داده‌ها با توجه به اعتبار منابع مورد استفاده، اعتبار دارد و نیاز به پایایی و اعتبار سنجی مجدد ندارد، مگر در حدی که از روش صغری-کبری نتیجه مندرج در کتب منطق سوری استفاده شده است که با توجه به شیوع اعتبار آن نزد منطقیین و اجماعی بودن کاربرد آن در علوم انسانی، نیاز به بحث مجدد ندارد. جامعه آماری مورد بحث، سی‌وپنج پژوهش معتبر است [۲۸].

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

پس از بررسی چند باره مطالب جامعه آماری، کسب یک تصویر کلی از روابط، عوامل کلیدی و ساختارهای موجود بین آنها حاصل می‌شود [۵]. در این راستا، تفسیر بیست جلدی المیزان علامه طباطبایی(ره) مورد پالایش دقیق جهت استخراج نهایی مقوله‌ها قرار می‌گیرد. مبتنی بر مرور سایر منابع و تجربیات محقق، گزاره‌ها و جملاتی که در بردارنده عوامل، مفاهیم و مضمون‌های سیستمی رشد بوده انتخاب(واحد معنی) و مقوله‌های فرعی اصلی به شرح جداول ۳ و ۲ استخراج و تدوین می‌شود. به منظور تدوین نهایی واحدهای معنی، استنباط مضامین آشکار و پنهان پیام‌ها و کدگذاری مطالب، مرور چندباره مطالب و فرآیند دریافت بازخورد و اعمال اصلاحات مستمر به منظور دستیابی به سطحی مطلوب از جامعیت و مانعیت، لازم و ضروری است.

جدول ۲. استخراج مقوله‌ها

ردیف	آدرس	کد	مقوله فرعی	مقوله اصلی
۱	جلد ۱ صفحه ۵۱۸	برکات صبر برای صبرکنندگان.	احوال صابران	صبر
۲	جلد ۱ صفحه ۵۱۹	میزان توجه و فضیلت صبر کننده.		
۳	جلد ۱ صفحه ۵۱۸	الصبر مفتاح الفرج، صبر کلید فرج خدائی.		
۴	ج ۱ ص ۵۱۹	صبر کن تا پاداش دهنده‌ات خدا باشد.		
۵	ج ۱ ص ۵۳۱	صبر در برابر مصیبت نتیجه ایمان به مالکیت مطلق خداوند بر تمام هستی.		
۶	ج ۱۶ ص ۳۲۵	صبر بر مصائب فضیلت بزرگ.	اخلاق پسندیده	صبر
۷	ج ۱۶ ص ۳۲۵	صبر از اخلاق پسندیده است.		
۸	ج ۱۶ ص ۳۲۶	سبب نقض وصیت توسط آدم.		
۹	ج ۱۱ ص ۱۴۱	صبر از استقامت قلب است.		
۱۰	ج ۱ ص ۲۳۰	از صبر و نماز کمک بگیرید.	استقامت قلب	صبر
۱۱	ج ۹ ص ۱۶۵	برابری یک نفر صابر با تقوا در روح با ده نفر.		
۱۲	ج ۶ ص ۳۵۸	نقش دل و امید در دعا کردن.		
۱۳	ج ۶ ص ۳۵۸	منشأ امید انسان برای آرزوها خداست.	کیفیت دعا	امید به رحمت الهی
۱۴	جلد ۶ ص ۳۷۷	تهدید زندگی توسط خسران.		
۱۵	جلد ۶ ص ۳۷۷	تنها پرده‌پوش خداوند است.	دفع خسران	امید به رحمت الهی
۱۶	جلد ۶ ص ۳۷۷	مغفرت خداوند دفع کنند بلا.		
۱۷	ج ۱۱ ص ۳۲۰	صاحب ایمان از رحمت خدا نا امید نمی‌شود.	مذمت یاس	امید به رحمت الهی
۱۸	ج ۱۱ ص ۳۲۰	یاس و نا امیدی محدود کردن قدرت خدا است.		
۱۹	ج ۱۱ ص ۳۲۰	معنای کفر به احاطه و سعه رحمت خداوند.		
۲۰	ج ۱۱ ص ۳۲۰	از گناهان کبیره و مهلکه نا امیدی از رحمت خداوند.		
۲۱	ج ۲ ص ۵۹	کلید همه رحمت‌ها و رستگاری‌ها و کلید بر آمدن هر حاجت بسیار دعا کردن است.	تکرار دعا	امید به رحمت الهی
۲۲	ج ۱۹ ص ۳۹۸	طریقه درخواست کردن و کیفیت دعا.		

ایمان	روح عمل	وزن و ارزش عمل.	ج ۹ ص ۲۶۸	۲۳
		نا معتبر بودن ظاهر عمل.	ج ۹ ص ۲۶۸	۲۴
		ملاک فضیلت و قرب خدای تعالی.	ج ۹ ص ۲۶۸	۲۵

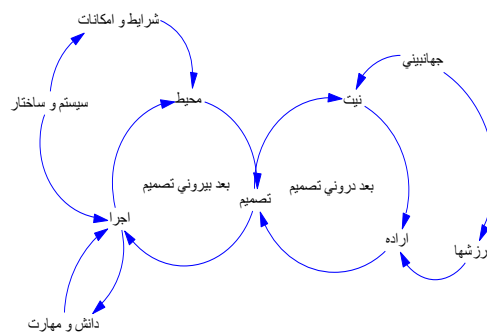
به منظور رعایت اختصار، نتایج در قالب فرمت جدول ۳، چکیده و ارائه می‌شود.

جدول ۳: چکیده نتایج تحلیل محتوا

ردیف	کد	مقوله فرعی	مقوله اصلی
۱	(۱) برکات صبر برای صبرکننده. (۲) میزان توجه و فضیلت صبرکننده. (۳) الصبر مفتاح الفرج، صبر کلید فرج خدائی. (۴) صبر کن تا پاداش دهنده‌ها خدا باشد. (۵) صبر در برابر مصیبت نتیجه ایمان به مالکیت مطلق خداوند بر تمام هستی.	احوال صابران	صبر
۲	(۱) فضیلت صبر بر مصائب. (۲) صبر از اخلاق پسندیده است.	اخلاق پسندیده	صبر
۳	(۱) سبب نقض وصیت توسط آدم. (۲) صبر استقامت قلب. (۳) از صبر و نماز کمک بگیرید. (۴) برابری یک نفر صابر با تقوا در روح با ده نفر.	استقامت قلب	صبر
۴	(۱) نقش دل و امید در دعا کردن. (۲) منشأ امید انسان برای آرزوها خداست.	کیفیت دعا	امید به رحمت الهی
۵	(۱) تهدید زندگی توسط خسران. (۲) تنها پرده‌پوش خداوند است. (۳) مغفرت خداوند دفع کنند بلا.	دفع خسران	امید به رحمت الهی
۶	(۱) صاحب ایمان از رحمت خدا نا امید نمی‌شود. (۲) یاس و نا امیدی محدود کردن قدرت خدا است. (۳) معنای کفر به احاطه و سعه رحمت خداوند. (۴) از گناهان کبیره و مهلک نا امیدی از رحمت خداوند.	مذمت یاس	امید به رحمت الهی
۷	(۱) کلید همه رحمت‌ها و رستگاری‌ها و کلید بر آمدن هر حاجت بسیار دعا کردن است. (۲) طریقه درخواست کردن و کیفیت دعا.	تکرار دعا	امید به رحمت الهی
۸	(۱) وزن و ارزش عمل. (۲) نا معتبر بودن ظاهر عمل. (۳) ملاک فضیلت و قرب خدای تعالی.	روح عمل	ایمان
۹	(۱) عذاب دوزخ در انتظار تکذیب کنندگان. (۲) مشخصات زبان کاران، محرومان و خاسران. (۳) سبب محرومیت از برکات دنیا و آخرت.	سرمایه سعادت	ایمان
۱۰	(۱) ایمان اختیاری مقبول درگاه الهی. (۲) عامل سوق انسان به سعادت زندگی دنیا و آخرت.	عامل سعادت	ایمان
۱۱	(۱) برتری تفکر و اندیشیدن از عبادت. (۲) بهترین عبادت تفکر درباره خدا و قدرت او به‌طور مداوم است.	فضیلت اندیشه	تفکر
۱۲	(۱) فکر صحیح و طریقه درست تفکر عامل هدایت انسان. (۲) عقل فطری ملاک تشخیص فکر صحیح.	عامل هدایت انسان	تفکر
۱۳	(۱) تفکر عامل گرایش انسان به نیکی. (۲) عقل عملی عامل تشخیص کارهای نیک از بد است.	عامل گرایش به نیکی	تفکر
۱۴	(۱) آخرت برای مؤمنین بهتر است. دلیل باتقوا بودن مؤمنین. (۲) سبب رستگاری و رسیدن به خیر آخرت.	رستگاری مؤمن	تقوا
۱۵	(۱) منشأ کفر به خدای متعال. (۲) کیفیت کفر ظاهری و کفر باطنی. (۳) سبب بی‌پروایی به پروردگار.	منشأ کفر	تقوا
۱۶	(۱) سفارش خدای تعالی به همه انسان‌ها. (۲) ضرورت پروا از خداوند.	ضرورت پروا	تقوا
۱۷	(۱) مراحل تقوی واقعی. اثر غرض‌گیردینی در ایمان و عمل صالح. (۲) حالتی روحی و معنوی شامل تمام مقامات معنوی.	مقامات معنوی	تقوا
۱۸	(۱) شرط برقراری رابطه دوستی با خدا. (۲) خدا ولی و یاور متوکلان است.	رابطه دوستی با خدا	توکل
۱۹	(۱) مشخصات توکل کنندگان. (۲) کار توکل کنندگان کار خداست. (۳) استعاده به خدا توکل به خدا است. (۴) ایمان و توکل دو ملاک صدق عبودیت.	فضیلت توکل	توکل
۲۰	(۱) خداوند راهنمای توکل کنندگان است. (۲) سعادت و نعمت بزرگ حاصل توکل است. (۳) ایمانی از خدا و توکل بر او سبب ایمنی از شر است. (۴) سلطنت شیطان از متوکلین نفی شده است.	ایمنی از گمراهی	توکل

ردیف	کد	مقوله فرعی	مقوله اصلی
۲۱	(۱) شناخت نفس از مراحل عرفان است. (۲) آزادی نفس پس از شناخت آن. (۳) اسیری هوای نفس و بندگی شهوات از اثرات غفلت از خود است.	مراحل عرفان	
۲۲	(۱) اثرات جهل انسان به نفس خویش. (۲) سبب ترس از خدا. (۳) بزرگ‌ترین حکمت‌ها برای انسان شناخت نفس خویش است.	برترین حکمت‌ها	خودشناسی
۲۳	(۱) شناخت نفس بهترین عقل انسان. (۲) خردمندی نتیجه شناخت خود.	بهترین عقل	
۲۴	(۱) گمراهی نتیجه نادانی به نفس است. (۲) نهایت درجه معرفت انسان. (۳) شناخت خود شرط شناخت خداوند.	کمال معرفت	
۲۵	(۱) انسان حکیم هر کاری می‌کند با عزم می‌کند. (۲) تباهی عزم از کاهش عقل و شعور است.	عقل و حکمت	
۲۶	(۱) دعوت مردم به ثبات قدم. (۲) محافظت از عقد قلبی. (۳) نقش احساس و قلب با جدیت.	اثر قلب بر عزم	اراده
۲۷	(۱) سبب تصمیم قلبی و فیصله دادن به کارها. (۲) حبس نفس از انجام کار. (۳) سبب سستی در عقد قلبی. (۴) اثرات گره زدن انجام امور بر قلب.	استواری تصمیم	
۲۸	(۱) آثار عمل صالح. نقش عمل صالح در دل. دل‌بستگی انسان به دنیا. (۲) دلیل افزایش جهالت و ازدیاد علوم مخالف با حق. (۳) سبب پراکندگی افکار و معلومات متفرق و فانی.	نسبت عمل با معرفت	عمل صالح
۲۹	(۱) ضرورت توجه به معلومات. (۲) اثر تمرین عملی دائمی و یادآوری مستمر. (۳) فراموشی نتیجه بی‌عملی است.	رابطه عمل و دانایی	عمل صالح
۳۰	(۱) قیده‌های رضایت خداوند. (۲) عمل صالح موجب مدح خداوند. (۳) شایستگی عمل در درگاه خداوند. (۴) عمل صالح سبب حیات جدید.	رضایت خداوند.	
۳۱	(۱) غرور و ستمگری موجب اختلاف. (۲) دلیل کفر به آیات خدا. (۳) غفلت از معامله خدا با انسان. (۴) غرور و طغیان مانع پذیرش حجت و برهان.	غفلت	غرور
۳۲	(۱) نسبت غرور و عوامل فریب. (۲) خبیث‌ترین فریب‌دهندگان. (۳) دنیا غرور می‌آورد. (۴) منشأ پندار غلط غرور و فریفته شدن به حیات دنیا است. (۵) وعده شیطان چیزی به جز غرور نیست.	فریب انسان	
۳۳	(۱) مذمت ترک فروع دین. (۲) عدم جواز ترک نماز و زکات در هیچ حالتی. (۳) ابزار مقابله با فراموشی و غفلت از یاد خداوند.	ترک نماز	
۳۴	(۱) شناخت و رعایت ارکان دین. (۲) دو رکن وثیق در شریعت اسلام. (۳) سفارش شریعت اسلام به ذکر عملی.	شریعت اسلام	نماز و زکات
۳۵	(۱) رابط غیرمالی میان خدا و خلق. معامله میان مردم. (۲) مراد از ذکر قلبی و عملی.	رابطه با خدا و خلق	
۳۶	(۱) نقش عقیده قلبی در رحمت. (۲) اصالت حقیقت ضمیر. (۳) علت در آتش بودن اهل آتش.	قدر عطیه	
۳۷	(۱) بهتر بودن نیت از عمل. (۲) کل به عمل علی شاکله. (۳) عمل هر کس بر طبق نیت.	شاکله	نیت
۳۸	(۱) ارزش و وزن عمل از نیت است. (۲) دشوار بودن انجام عمل با خلوص نیت. (۳) ضرورت هوشیاری نسبت به علت عمل. (۴) نیت صادقانه، ملاک درستی عمل.	اتحاد نیت و عمل	
۳۹	(۱) افزایش شنوایی و قبول دعوت حق. (۲) تفاوت افرادی که از رجوع به خدا می‌ترسند با سایرین. (۳) شرایط دریافت کلام پیامبر.	نرمی قلوب	
۴۰	(۱) علت پیروزی مؤمنان و اسکان آنها در زمین. (۲) امید آمیخته با ترس مشخصه مؤمنان. (۳) هوشیاری نسبت به آخرت از ضروریات ایمان.	برتری مؤمن	وحشت و ترس از قیامت
۴۱	(۱) کفار به روز قیامت ایمان ندارند. (۲) توجه به کیفر سخت خداوند، سبب ترس از اوست. (۳) خوف ابرار از خداوند، موجب بهره‌مندی و آشامیدن آنان، از چشمه سلسبیل.	ترس از خدا	
۴۲	(۱) رابطه حرف و عمل مؤمن. (۲) کسی که از عمل به گفته خود شانه خالی نمی‌کند.	خصوصیات مؤمن	
۴۳	(۱) شرط کرامت الهی خدا. (۲) اثر نژاد و دودمان در تقرب به خدا. (۳) شرط دوستی خدا. (۴) میثاق‌هایی که از اهل کتاب گرفته شده.	کرامت الهی	وفای به عهد
۴۴	(۱) مذمت پیمان شکنان. (۲) نیاز زندگی فردی و اجتماعی به رعایت پیمان.	شکستن پیمان	
۴۵	(۱) دستورات اکید قرآن بر رعایت عقود. (۲) حسن وفای به عهد و قبح نقض عهد. (۳) تناسب فطریات بشر با رعایت عهد. (۴) نفی و مذمت شکستن عهد.	حسن رعایت عهد	

از منظر قرآن کریم و روایات، اختیار و عمل انسان یکی از مهم‌ترین ابعاد وجودی و ابزار رشد اوست. در اکثر موارد زمانی که در قرآن از انسان بحث می‌شود، منظور اصلی، جلب توجه به چگونگی، ماهیت و عوامل مؤثر بر نیروی انتخاب‌گری، تصمیم‌گیری و عمل انسان است. اگر حرکت را نشانه وجود و گذر زمان بدانیم، بی‌شک تصمیم را هم باید آغاز حرکت تعبیر کنیم. لذا، تصمیم زمان آفرین است. این تصمیم است که مسیر حرکت را تعیین می‌کند و به اراده‌ها جلوه بروز می‌دهد [۱۶]. قرآن زمانی که به تحلیل عمل انسان می‌پردازد، نگاهی سیستمی به ابعاد مختلف عمل انسان دارد و در توصیف عمل انسان بر این مطالب تأکید می‌شود: (۱) شرایط اولیه و محیط بر عمل فرد مؤثر است. (۲) انسان تحت تأثیر الگوهای مشخص، عمل می‌کند. (۳) بازخورد عمل انسان بر شرایط محیطی و الگوهای رفتاری تأثیرگذار است. تصمیم‌گیری که منشأ عمل است، دو بعد دارد. بعد اول یا مرحله آمادگی را بعد درونی تصمیم و بعد دوم و مرحله انتخاب بین چند فرآیند و اقدام را می‌توان بعد بیرونی نامید (شکل ۳) [۱۶].



شکل ۳. ابعاد درونی و بیرونی تصمیم [۱۶].

همه شرایط و امکاناتی که انسان با آنها مواجه می‌شود، بازخورد اعمال و اقدامات خود اوست «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (النجم / ۹۳)». نتیجه اعمال انسان هم بر ورودی‌ها و هم بر مکانیزم‌های پردازشی الگوهای رفتاری مؤثر است. این اثرات در جلوه، رحمت، توفیق، یأس، کفران، بخل و ... در انسان ظهور و بروز می‌یابد. عناصر ورودی، الگوی رشد انسان را متأثر کرده، و این الگو نیز، با انجام پردازش‌هایی بر روی آنها خروجی‌هایی به صورت اقدامات و کنش‌های انسانی حاصل خواهد نمود.

پس از تحلیل و استخراج مقوله‌های رشد انسان، با رجوع به منابع معتبر، اصول و قضایای حاکم بر ابعاد مختلف این رشد استخراج می‌شود. این اصول و قضایا را می‌توان به شرح زیر تنظیم و ارائه نمود [۳۲، ۱۸].
اصل ۱: قال رسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «مَنْ رَزَقَ تَقَى فَقَدْ رَزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ: هر که تقوا روزیش شود، خیر دنیا و آخرت روزیش شده است».

قضیه ۱-۱: «تقوای خدا، رأس همه کارهاست (عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، فَإِنَّهُ رَأْسُ الْأَمْرِ كُلِّهِ)».

قضیه ۱-۲: «تقوا، رئیس خوی‌هاست (التقى رئيس الأخلاق)».

قضیه ۱-۳: «تقوا، محکم‌ترین شالوده است. صبر محکم‌ترین جامه است (التقوى أقوى أساس، الصبر أقوى لباس)».

اصل ۲: قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا يُقْبَلُ إِيمَانٌ بِلَا عَمَلٍ، وَ لَا عَمَلٌ بِلَا إِيمَانٍ: ایمان بی عمل و عمل بی ایمان، پذیرفته نمی‌شود».

قضیه ۲-۱: «ایمان و عمل دو برادر بسته به یک ریسمانند که خداوند یکی را بدون دیگری نمی‌پذیرد».

(الإيمانُ والعملُ أخوانٌ شريكان في قرنٍ ، لا يقبلُ اللهُ أحدهما إلا بصاحبه)»

قضیه ۲-۲: «ایمان نه به ظاهر است و نه به آرزو، بلکه ایمان آن است که در دل خالص باشد و عمل آن را تصدیق کند (لیسَ الإيمانُ بالتَّحَلِّيِّ و لا بالتَّمَنِّيِّ ، و لكنَّ الإيمانَ ما خَلَصَ في القلبِ و صدَقَهُ الأعمالُ).

قضیه ۳-۲: «صبر برای ایمان، به منزله سر است برای بدن. همچنان که اگر سر برود، بدن هم از بین می‌رود، اگر صبر از کف رفت، ایمان نیز از کف می‌رود (الصَّبْرُ مِنَ الإیمانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأسِ مِنَ الجَسَدِ، فإذا دَهَبَ الرَّأسُ دَهَبَ الجَسَدُ، كذلك إذا دَهَبَ الصَّبْرُ دَهَبَ الإیمانُ)».

اصل ۳: قالَ عَلِيُّ عليه السلام: «صَلُّ الصَّبْرِ حُسْنُ اليَقينِ لِلَّهِ ريشه صبر، ایمان نیکو و عقیده استوار به خداوند است».

قضیه ۳-۱: «صبر و شکیبائی ستون ایمان و قوام کارهاست (الزَمُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ دِعَامَةُ الإیمانِ وَمِلاکُ الأُمُورِ)».

اصل ۴: قالَ عَلِيُّ عليه السلام: «أقوى عَدُوِّ الشَّدَائِدِ الصَّبْرُ: قویترین دشمن سختی‌ها صبر و شکیبایی در برابر آنهاست»

قضیه ۴-۱: «چه نیکو سلاحی است صبر و دُعا برای مؤمن (نعمَ سلاحُ الْمُؤْمِنِ الصَّبْرُ وَ الدُّعَاءُ)».

اصل ۵: قالَ عَلِيُّ عليه السلام: «فِكْرُ سَاعَةٍ قَصِيرَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ طَوِيلَةٍ. (اندیشه‌ای کوتاه، برتر است از عبادتی طولانی)».

قضیه ۵-۱: «کسی که (خوب) بیندیشد بینا می‌شود (مَنْ تَفَكَّرَ أَبْصَرَ)».

قضیه ۵-۲: «تفکر در فرجام کارها، انسان را از ناخوشی‌ها و حوادث ناگوار ایمن می‌دارد. (الْفِكْرُ فِي الْعَوَاقِبِ يُوْمِنُ مَكْرُوهَ النَّوَائِبِ)».

اصل ۶: قالَ امام باقر عليه السلام: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يَغْلِبُ وَمَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يُهْزَمُ؛ (هر کس به خدا توکل کند، مغلوب نشود و هر کس به خدا توسل جوید، شکست نخورد)».

قضیه ۶-۱: «هر کس به خدا توکل کند، دشواری‌ها برای او آسان می‌شود و اسباب برایش فراهم می‌شود (مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ دَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ وَتَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسَابُ)».

قضیه ۶-۲: «آن کس که به خداوند توکل کند، او خود بی‌نیازش گرداند (مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ)».

قضیه ۶-۳: «توکل بهترین تکیه‌گاه است (التَّوَكُّلُ خَيْرُ عِمَادٍ)».

اصل ۷: قالَ امام صادق عليه السلام: «ما ضَعْفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوِيَتْ عَلَيْهِ النَّيَةُ (در موردی که نیت و اراده آدمی قوی باشد، بدن دچار ضعف و ناتوانی نمی‌شود)».

قضیه ۷-۱: «پیروزی، در گرو اراده‌ای قاطع و دوراندیشی است (الظَّفَرُ بِالْجَزْمِ وَ الْحَزْمِ)».

اصل ۸: قالَ عَلِيُّ عليه السلام: «الاعتبارُ يُثْمِرُ العِصْمَةَ (عبرت گرفتن، مصونیت [از گناه و خطا] به بار می‌آورد).

قضیه ۸-۱: «فکر و اندیشه ندارد کسی که عبرت نگیرد و عبرت نگرفته است کسی که [از خطا] باز نایستد (لا فِكْرَ لِمَنْ لا اعتبارَ لَهُ، لا اعتبارَ لِمَنْ لا ازدجارَ لَهُ)».

قضیه ۸-۲: «به یقین، کسی که با دیده عبرت به کیفیهایی که بر سر پیشینیان آمده بنگرد، تقوا، او را از فرو افتادن در دام آلودگی‌ها (شبهات) باز می‌دارد (إِنَّ مَنْ صَرَحَتْ لَهُ العِبْرَةُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ المَثَلاتِ حَزَنَتْهُ التَّقْوَى عَنِ تَفَحُّمِ الشُّبُهاتِ)».

قضیه ۸-۳: «در دگرگونی‌های قضای الهی [برای صاحب‌دلان و خردمندان عبرت است (فی تَصاريفِ القَضائِ عِبْرَةٌ لِأُولَى الألبابِ وَ النُّهَى)».

اصل ۹: قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «جَلِيسُ الْخَيْرِ نِعْمَةٌ، جَلِيسُ الشَّرِّ نِقْمٌ لِّاهْمَنَشِينِ خُوبٍ، نِعْمَتٌ اسْتِ وَ هَمَنَشِينِ بَد، مَصِيبَتٌ».

قضیه ۱-۹: «همه بدی‌ها در مجالست با همنشین بد است (جَمَاعُ الشَّرِّ فِي مُقَارَنَةِ قَرِينِ السُّوءِ)».

قضیه ۲-۹: «تنهایی، بهتر از همنشین بد است (الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ قَرِينِ السُّوءِ)».

قضیه ۳-۹: «بهترین گزینش، همنشینی با نیکان است (خَيْرُ الْإِخْتِيَارِ صُحْبَةُ الْأَخْيَارِ)».

اصل ۱۰: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (۳) بی‌تردید انسان در زیان کاری بزرگی است (۲) مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق توصیه نموده و به صبر سفارش کرده‌اند».

قضیه ۱-۱۰: «غافل را عمل [صالح] نباشد (لا عَمَلَ لَغَافِلٍ)».

قضیه ۲-۱۰: «دو صفت است که خداوند سبحان، هیچ عملی را مگر همراه با آنها نمی‌پذیرد: تقوا و اخلاص (صِفَتَانِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْأَعْمَالَ إِلَّا بِهِمَا: التَّقِيُّ وَالْإِخْلَاصُ)».

اصل ۱۱: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «يُحْشَرُ النَّاسُ عَلَى نِيَّاتِهِمْ (مردم مطابق نیت‌های خود محشور می‌شوند)».

قضیه ۱-۱۱: «کردارها، ثمره نیت‌ها هستند (الأعمالُ ثَمَارُ النِّيَّاتِ)».

قضیه ۲-۱۱: «قدر هر کس به قدر همت اوست و عملش به قدر نیت او (قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَ عَمَلُهُ عَلَى قَدْرِ نِيَّتِهِ)».

قضیه ۳-۱۱: «هیچ بدنی در انجام آنچه نیت بر آن قوی است، ناتوان نیست (ما ضَعْفَ بَدَنٍ عَمَّا قَوَّيْتَ عَلَيْهِ النِّيَّةَ)».

قضیه ۴-۱۱: «عمل درست، جز با نیت درست کامل نمی‌شود (لا يَكْمُلُ صَالِحُ الْعَمَلِ إِلَّا بِصَالِحِ النِّيَّةِ)».

قضیه ۵-۱۱: «دهش خداوند به هر کس، به اندازه نیت اوست (عَلَى قَدْرِ النِّيَّةِ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ الْعَطِيَّةُ)».

اصل ۱۲: قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «التَّوْفِيقُ عِنَايَةٌ (توفیق، عنایت [الهی] است)».

اصل ۱۳: قال امام جعفر صادق عليه السلام: «لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ (کسی که ذره‌ای کبر در وجودش است وارد بهشت نمی‌شود)».

قضیه ۱-۱۳: «حرص و تکبر و حسادت، انگیزه‌های فرورفتن در گناهانند (الْحِرْصُ وَالْكِبْرُ وَالْحَسَدُ دَوَاعٍ إِلَى التَّقَحُّمِ فِي الذُّنُوبِ)».

قضیه ۲-۱۳: «دورترین مردم از خداوند عزوجل در روز قیامت، سرکشان متکبر هستند (الْجَبَّارُونَ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْ اللَّهِ عِزُّ وَ جَلٌّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ)».

از منظر اسلام، هدف از خلقت انسان رساندن او به کمال و سعادت، در دنیا و آخرت است و آن عبارت است از قرب و لقاء الهی. این حقیقت محقق نمی‌شود، مگر با پیروی از دستورات الهی در همه زمینه‌ها، فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. این فرمانبرداری اگر با انگیزه الهی و با نیت قرب‌الی‌الله از اعماق وجود باشد، عبادت بوده و نقش اصلی را در رشد و کمال انسان خواهد داشت. قلب، عقل و جسم به ترتیب منشأ و ابزار شکل‌گیری «امیال»، «افکار» و «اعمال» انسان و بستر جریان یافتن اختیار و اراده او هستند. بدین صورت که انسان با انتخاب طریق «هوا» یا «تقوا» به توان و قدرت «قلبی، عقلی و جسمی» خود شکل و کیفیت مشخصی می‌بخشد. با اختیار و انتخاب یکی از این دو جهت، دارای «قلب، عقل و جسمی» شیطانی و یا «قلب، عقل و جسمی» رحمانی خواهد شد. این حقیقت به معنای اصالت اراده و اختیار در شکل دادن به ساختار

وجودی انسان است. به منظور اتخاذ یک رویکرد سیستمی و ایجاد امکان تحلیل و ترسیم روابط متقابل بین مؤلفه‌های موجود، به‌طور جامع و یکپارچه، از جداول ۴ و ۵ بهره‌برداری می‌شود.

جدول ۴. علامت تأثیر گذاری

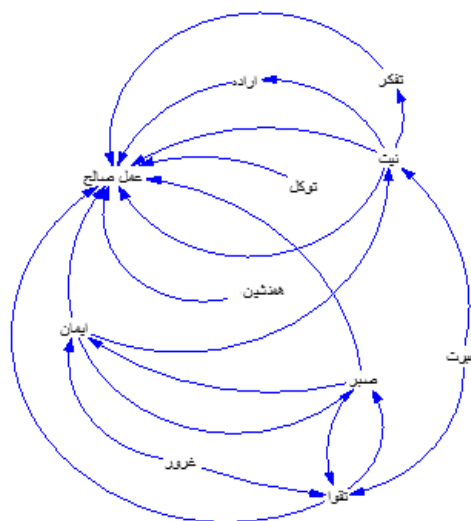
علامت	V	A	X
معنی	مؤلفه اثر دارد	مؤلفه اثر ندارد	رابطه دوسویه

بر اساس جدول ۵ اولین نقشه شناختی نمودار تأثیرپذیری و تأثیرگذاری مؤلفه‌ها، به شرح شکل ۵ قابل ترسیم است.

جدول ۵. چگونگی تأثیر گذاری و تأثیر پذیری مؤلفه‌ها

J I	تقوا	صبر	ایمان	عمل صالح	نیت
تقوا	X				
صبر		X			
عمل صالح	A	A	A	V	
نیت			A	V	
تفکر				V	A
توکل		V		V	
اراده				V	A
عبرت	V				V
همنشین				V	
غرور	V		V		

همانگونه که در مدل شکل ۲ و ۳ مشاهده می‌شود، این دیدگاه مبتنی بر این اصل است که هیچ یک از عوامل دخیل در رشد انسان، به‌طور مستقل و ایستا بر رشد انسان مؤثر نیستند، بلکه تحت تأثیر حلقه‌های بازخوردی مثبت و منفی موجب بروز رفتار پویا در این سیستم می‌شوند. همین واقعیت و ماهیت پویای الگوی رشد انسان، موجب افزایش درجه پیچیدگی آن شده و باعث شده بسیاری از تحلیل‌های ارائه شده در این زمینه که بر اساس رویکرد تحلیل خطی صورت گرفته با بروز این پدیده در عالم واقع فاصله معناداری داشته باشد.

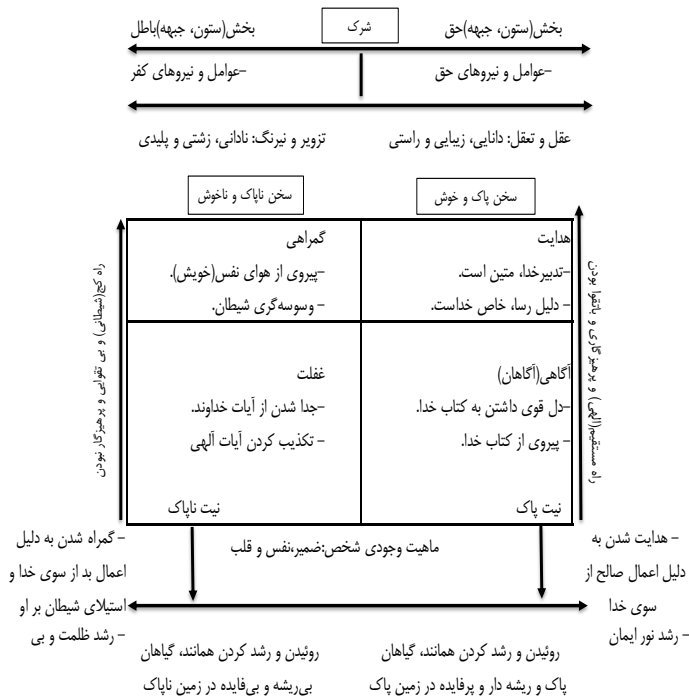


جانب حق تعالی، تفکر است و تفکر در این مقام عبارت است از آن که: انسان لااقل در هر شب و روز مقداری فکر کند که وظیفه ما در مقابل این مولای مالک الملوک، که ما را به این دنیا آورده و تمام اسباب آسایش و راحتی را برای ما فراهم کرده، چیست؟» [۲۱]. به منظور ایجاد تصویری جامع از ابعاد و خصیصه‌های مرتبط به تفکر جدول ۶ تنظیم شده است.

جدول ۶. اندیشیدن و خصیصه‌های مرتبط [۱۷].

اندیشیدن در آیات	اندیشیدن در گمان‌ها، ظن‌ها و حدس‌ها
حرکت در راه راست الهی	دوری کردن از راه هدایت الهی
سود بردن از بینش الهی و برخورداری از درجات برپایه اعمال	از کوردلان بودن و زیان بردن
دل زنده بودن و پیروی از نور و حرکت در نور	راهنمای باطل شدن و پیروی نکردن از بینش الهی
پیروی از کتاب پر برکت الهی و نازل شده‌های پروردگار	حرکت در تاریکی و سرگردان ماندن در گمراهی
به راه‌های مختلف (وحدت) نرفتن	رفتن به راه‌های مختلف (تفرقه)
راهنمای حق شدن و بالارفتن با آیات الهی	پیروی از اولیای غیر خدا و راه ضلالت
اجرای عدالت و یاد کردن از خداوند	تحریف نام‌های خداوند
توانایی در پند پذیرفتن	پیروی از چیزهایی که برایش دلیلی از سوی خداوند نیامده
گشوده شدن دل بر اسلام	دل مرده بودن و لذت بردن از انجام کارهای زشت
برپایی نماز	گرویدن به پستی و دروغ‌ساز بودن
باور کردن خداوند و خواندن نام‌های خداوند	کبر ورزیدن و غرور داشتن
پیروی از راه مستقیم پروردگار	ستمکار بودن نسبت به خود
حرام تلقی کردن کارهای زشت	گرفتار شدن در راه‌های ناپیدا
گرایش پیدا کردن به عزت الهی	پیروی از گمان و داشتن دل‌هایی بی‌ادراک
پذیرفتن راهنمایی حق از جانب خداوند	داشتن چشمانی ناپیدا
پذیرش اینکه خداوند کارساز شایستگان است	اویزان بودن زبان از دهان و دستاویز شیطان شدن
بصیرت یافتن و پناه بردن به خدا در مواجهه با وسوسه‌های شیطان	گوش‌های ناشنوا داشتن و ضعف در پندپذیری
مشمول رحمت الهی واقع شدن	دور شدن از اسلام و فشرده شدن دل و کسب پلیدی

تقوی: در آثار دینی، مخصوصاً در کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه، بر روی کلمه تقوی فوق‌العاده تکیه شده است. تقوی، ملکه‌ی مقدسی است که در روح پیدا می‌شود و به روح، قدرت و قوت می‌دهد و روح سرکش و نفس امّاره را رام و مطیع می‌سازد. امام علی(ع) درباره‌ی تقوا می‌فرماید: «اعلموا عباد الله انّ التّقوی دار حِصْنٍ عَزِيزٍ وَ الْفُجُورَ دَارُ حِصْنٍ ذَلِیلٍ لَا یَمْنَعُ اَهْلَهُ وَ لَا یُحْرِزُ مِنْ لَجَأٍ اِلَیْهِ اِلَّا وَ بِالْتّقَوِی تُقَطَعُ حَمَةُ الْخَطَايَا وَ بِالْبِقِیْنِ تُدْرَكُ الْغَايَةُ الْقُصُوی» «ای بندگان خدا! بدانید که تقوا، دژی محکم و شکست‌ناپذیر است، اما هرزگی و گناه، خانه‌ای در حال فرو ریختن و خوارکننده است که از ساکنان خود دفاع نخواهد کرد، و کسی که بدان پناه برد در امان نیست. آگاه باشید با پرهیزکاری، ریشه‌های گناهان را می‌توان برید، و با یقین می‌توان به برترین جایگاه معنوی، دسترسی پیدا کرد» [۲۱]. حضرت در برخی از جملات تصریح می‌کند، تقوا مایه اصلی آزادی است، به این معنی که نه تنها مانع آزادی نیست، بلکه منبع و منشأ همه آزادی‌ها است. یعنی انسان را از بندگی و اسارت هوا و هوس آزاد می‌کند. زنجیر حسد، شهوت، خشم، آز و طمع را از گردنش بر می‌دارد. این افراد در اثر توبه، تلاش و ریاضت، بدنی نحیف دارند. آرزوهایشان کم است و نفس آنان آمیخته با عفت، پاکدامنی و خلوص است [۷]. خصیصه‌های تقوا به‌طور اجمال در قالب شکل ۷ قابل ترسیم است.

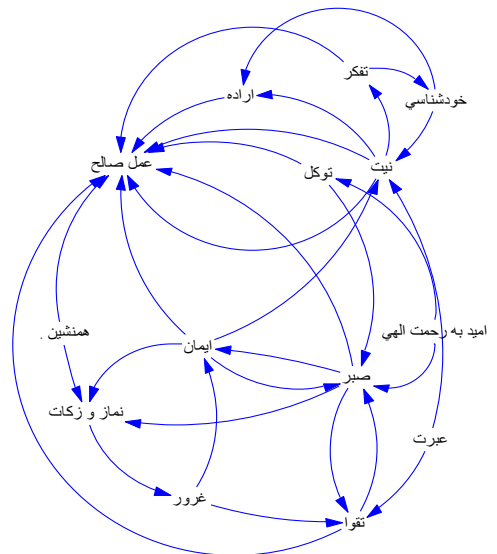


شکل ۷. تبیین خصیصه‌های تقوا [۱۷].

نماز. یکی از موثرترین عوامل در سیر معنوی و تقرب الی الله، نماز است. نماز ترکیبی الهی است که در هر قسمت آن رازی نهفته است. وسیله ارتباط با خدا و انس با پروردگار رحمان است. نماز سازنده انسان و کامل کننده آنان است. همانگونه که بدن، به غذای سالم و مفید احتیاج دارد، جهت رشد و پرورش معنوی روح و تکامل آن نیز، نیاز به غذای روح وجود دارد. امام علی (ع) درباره نماز سخنان بسیاری فرموده‌اند. به‌عنوان نمونه می‌فرمایند: «فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهًا عَنِ الْكِبْرِ. خدا، «ایمان» را برای پاکسازی دل از شرک، و «نماز» را برای پاک بودن از کبر و خودپسندی واجب کرد» [۲۱]. نماز نمایانگر عشق به خدا است و این عشق به خداست که انسان را به صبر بر مصائب، صبر بر طاعات و صبر در مقابل معاصی، پایدار می‌گرداند. تلخی آنها را به شیرینی تبدیل کرده و به رفع نیازهای بندگان خدا، از روی عشق و علاقه راغب می‌نماید. ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقَى... نماز، موجب نزدیکی هر پارسی به خداست». «مَا أَهْمَنِي [أَمْرٌ] ذَنْبٌ أَمَهَلْتُ بَعْدَهُ حَتَّى أَصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ وَ أَسْأَلَ اللَّهَ الْعَافِيَةَ. آنچه که بین من و خدا نارواست اگر انجام دهم و مهلت دو رکعت نماز داشته باشم که از خدا عافیت طلبم، مرا اندوهگین نخواهد ساخت» [۲۱]. در بسیاری از منابع دینی، نماز و زکات مانند دو برادر همواره با هم ذکر شده و مورد تأکید قرار گرفته است. به‌عنوان مثال از: امام الصادق علیه السلام نقل شده: «لا صلاة لمن لا زكاة له، و لا زكاة لمن لا ورع له. کسی که زکات ندهد نمازش بی‌حاصل است، و کسی که ورع نداشته باشد زکاتش پذیرفته نیست» [۳۲].

همنشینی. امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند: «إِيَّاكَ وَ مَعَاشِرَةَ الْأَشْرَارِ فَإِنَّهُمْ كَالنَّارِ مَبَاشَرَتُهَا تُحْرِقُ» [۲۱]. اگر کسی در صدد تهذیب نفس است باید با دوستان بد همنشینی نکند؛ زیرا دوست بد، ترک گناه را دشوار می‌کند و اراده انسان را در تهذیب نفس سست می‌کند و او را به گناه و فساد ترغیب می‌کند. امام (ع) در خطبه‌ای از نهج البلاغه می‌فرمایند: «... سَلُّ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ. پیش از حرکت، از همسفر پیرس، و پیش از خریدن منزل همسایه را بشناس» [۲۱]. از معاشرت با اهل باطل باید

جدا خودداری نمود؛ زیرا، (۱) دوست بد همانند آتش است که هر کس به آن نزدیک شود خواهد سوخت» [۳]. (۲) طبیعت انسان به گونه‌ای است که از عوامل خارجی مانند خانواده، مدرسه، محیط زندگی و ... صفات خوب و بد را می‌گیرد. فرد خواهد دید کارهایی را همه انجام می‌دهند، ستایش کرده و محترم می‌شمارند، و بر عکس، از کارهای دیگر پرهیز دارند و آن را نکوهش می‌نمایند، او نیز به واسطه این مشاهدات و شنیده‌ها، به تدریج عقیده‌ای مرتبط پیدا خواهد کرد. آن را به فهم و عقل خودش نسبت داده و با اجبار و اضطرار، تحت تأثیر این رفتار واقع می‌شود. علیرغم اینکه خود را آزاد و مختار می‌داند (شکل ۸).

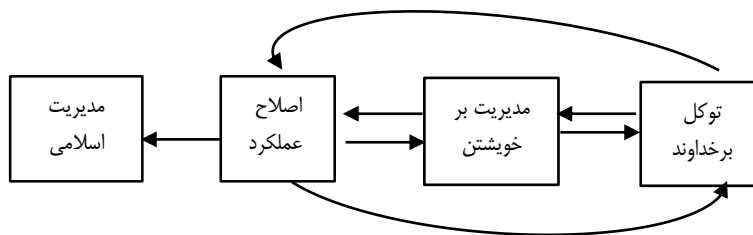


شکل ۸. الگوی تاثیرگذاری و تاثیرپذیری (تکمیلی ۲)

صبر: در صبر فوایدی برای تربیت نفس، تقویت شخصیت و افزایش توانایی انسان برای طی مسیر رشد و کمال و طاقت در برابر بارهای سنگین زندگی و حوادث و مصائب روزگار نهفته است. صبر به انسان این توان را می‌دهد که برای تحقق اهداف علمی و عملی، مداومت داشته باشد. انسان برای دستیابی به اکثر اهداف خود، چه در زمینه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و چه در زمینه علمی، نیازمند سخت کوشی و صرف وقت و تلاش زیاد است. در حقیقت، میزان صبر و پشتکار انسان به میزان نیروی اراده او بستگی دارد. انسان صابر، کسی است که از اراده‌ای نیرومند برخوردار است و هر چند با مشکلات و موانع برخورد کند، عزم او سست نشده و همتش کاهش نمی‌یابد. انسان، با قوت اراده می‌تواند، کارهای بزرگی انجام داده و اهداف ارزشمندی، را تحقق بخشد [۳۴]. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَّا رَأْسَ مَعَهُ وَ لَا خَيْرَ فِي إِيْمَانٍ لَّا صَبْرَ مَعَهُ . بر شما باد شکیبایی، که شکیبایی، ایمان را همچون سر است برای بدن و ایمان بدون شکیبایی همانند بدنی بی‌سر، ارزشی ندارد» [۲۱]. مؤمنان واقعی، از مشکلاتی که متوجه او می‌شود، یا حوادث ناگوار روزگار و مصائبی که بر او وارد می‌آید، شکوه و اظهار ناتوانی نمی‌کنند. زیرا پروردگار او را به صبر سفارش فرموده است.

توکل: توکل یکی از پایه‌های ایمان است. بدون توکل، ایمان کامل نمی‌شود. امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «اعلموا علماً يقيناً ان الله لم يجعل للعبد و إن عظمت حيلته و اشتدت طلبته و قوت مكيده أكثر مما سمى له في الذكر الحكيم و لم يحل بين العبد في ضعفه و قلته حيلته و بين أن يبلغ ما سمى له في الذكر الحكيم و العارف لهذا العالم به أعظم الناس رحمه في منفعته و التارك له الشاك فيه أعظم الناس»

شُغْلًا فِي مَضْرَبَةٍ وَ رَبِّ مُنْعَمٍ عَلَيْهِ مُسْتَدْرَجٍ بِالنُّعْمَىٰ وَ رَبِّ مُبْتَلَىٰ مَصْنُوعٌ لَهُ بِالْبَلْوَىٰ فَرِدُ أَيُّهَا الْمُسْتَنْفَعُ فِي شُكْرِكَ وَ قَصْرٌ مِنْ عَجَلَتِكَ وَ قِفٌّ عِنْدَ مُنْتَهَىٰ رِزْقِكَ». «قطعا بدانید! خداوند برای بنده خود هر چند با سیاست و سخت کوش بوده و در طرح و نقشه نیرومند باشد، بیش از آنچه که در علم الهی وعده فرموده، قرار نخواهد داد، و میان بنده، هر چند ناتوان و کم سیاست باشد، و آنچه در قرآن برای او رقم زده حایلی نخواهد گذاشت، هر کس این حقیقت را بشناسد و به کار گیرد، از همه مردم آسوده‌تر است و سود بیشتری خواهد برد. و آن کس که آن را واگذارد و در آن شک نماید، همانا از تمام مردم گرفتارتر و زیانکارتر است، چه بسا نعمت داده شده‌ای، که گرفتار عذاب شود و چه بسا گرفتاری، که در آن گرفتاری ساخته و آزمایش گردد. پس ای کسانی که از این گرفتار بهرمنند می‌شوید، بر شکرگزاری خداوند بیفزایید و از شتاب گرفتن بیجا دست بردارید و به روزی رسیده خود بسنده کنید» [۲۱]. توکل بر خداوند از گزاره‌های است که در مدیریت اسلامی نیز از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و بر عملکرد مدیران مؤثر است. مدیران کارآمد که بر خداوند توکل دارند، می‌توانند با درایت و کاردانی از عملکرد خوبی برخوردار شده و بهترین تصمیمات را برای رسیدن به هدف مطلوب در سازمان بگیرند. «توکل بر خدا» منجر به مدیریت بر خویشتن شده و «اصلاح عملکرد» در پی آن حاصل می‌شود، که آن نیز، مصداقی از مدیریت اسلامی است و این عناصر نیز متقابلاً بر همدیگر تأثیر گذارند (شکل ۹) [۳۳].



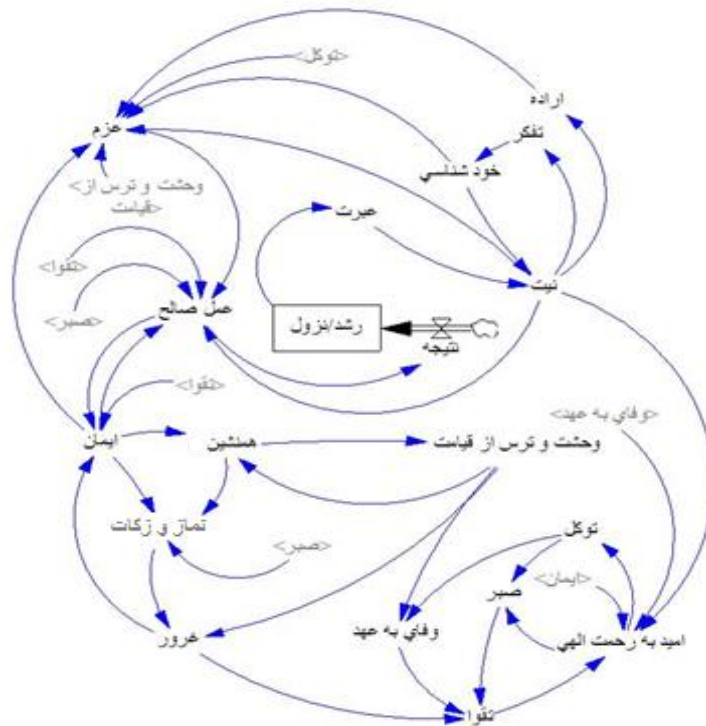
شکل ۹. رابطه توکل بر خدا و مدیریت اسلامی [۳۳].

وفای به عهد. منظور از وفای به عهد، این است که انسان با خود یعنی با عقل و نفس پیمان ببندد و شرط کند که در مقام عمل، صداقت داشته باشد و مرتکب خطا و خلاف نشود [۱۴]. در اول روز، شایسته است انسان با خود شرط کند که امروز بر خلاف امر الهی رفتار نکند. به این طریق که نفس خود را مخاطب قرار دهد و به او متذکر شود که من جز سرمایه گران‌بهای عمر هیچ ندارم و اگر از دست بروم، تمام هستی‌ام از دست می‌رود. به خود بگوید: تصور نما عمر تو پایان یافته و از مشاهده حوادث بعد از مرگ سخت پشیمان گشته و فریاد «رب ارجعون» سر داده‌ای، پس به نفس خویش در مورد مراقبت از اعضاء و جوارح سفارش نماید (شکل ۹). در قرآن کریم به التزام تعهدات که بالاترین آن‌ها تعهد به خداست تأکید فراوان شده، از جمله: «وَ أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَ لَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا» (نحل/۹۱). هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد خود وفا کنید! و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید». کیفیت وفای به عهد این گونه است که انسان هر روز با خود عهد کند که امروز بر خلاف فرموده پروردگار رفتار نکند و تصمیم به انجام این کار بگیرد. یک روز خلاف نکردن امری است سهل و آسان و انسان می‌تواند از عهده این کار برآید [۲۳].

ایمان. آرزوی هر انسان، نیل به سعادت و خوشبختی است. ایمان راه رسیدن به این سعادت است. ایمان به آدمی اطمینان قلبی، نشاط، آرامش، معنا، امید، شجاعت و هدف می‌دهد. قرآن کریم ایمان را بسیار گرمی داشته و عامل رستگاری دانسته و از ویژگی‌های پرهیزگاران و هدایت یافتگان می‌شمارد. قرآن کریم تأکید دارد، ایمان آدمی را از تاریکی به نور راهنمایی می‌نماید. بسیاری از روانشناسان، نقش ایمان را در بهداشت روانی و تسکین

کد	مفهوم	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12	C13	C14	C15	C16	C17
C7	عبرت		V															
C8	رحمت الهی			V														
C9	وفای به عهد						V											
C10	عزم										V							
C11	عمل صالح											V						
C12	همنشین												V					
C13	ایمان										V	V	V	V				
C14	نماز و زکات													V				
C15	غرور														V			
C16	ترس از قیامت															V	V	
C17	تفکر																	V

سومین سؤال تحقیق، چگونگی الگوی مفهومی رشد کیفی انسان است. در شکل ۱۲، این الگو که حاصل ترکیب و تکمیل الگوهای قبل است، ارائه شده است. این مدل نشان دهند، سازه‌ها و روابط علی معلولی بین مولفه‌های پدیده رشد کیفی انسان است.



شکل ۱۲. الگوی مفهومی رشد کیفی انسان

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در مسائل سیستمی و پیچیده که انسان و روابط انسانی در آنها نقش برجسته‌ای دارد، توان توصیف و تحلیل رفتار و برآورد عکس‌العمل عوامل انسانی، در تدبیر راه‌حل‌های بهینه، حیاتی است. برخورداری از این توان، نیازمند شناخت کامل، دقیق و مؤثر عوامل و ریشه‌های رفتار و اعمال انسانی است. بدون شک درجه رشد کیفی و

کمال انسانی در اولویت‌بندی ارزش‌ها و چگونگی عمل و عکس‌العمل او اهمیت ویژه‌ای دارد. شناخت عوامل رشد، آگاهی از روابط میان این عوامل، ساختار و سازوکارهای ارتقاء، نزول و نوسان مرتبط، موجب توسعه معرفت، نسبت به ماهیت رشد کیفی انسان شده و این شناخت چراغ و راهنمایی خواهد بود جهت توصیف و تحلیل شایسته مسائل پیچیده سیستمی با ابعاد متعدد که انسان و روابط انسانی در آنها نقش برجسته‌ای دارد. بر اساس نتایج حاصل شده، توجه و تقویت هر یک از مؤلفه‌های سازنده سیستم رشد کیفی، به‌طور پویا بر سایر اجزاء سیستم تأثیر گذاشته و موجب فعال شدن حلقه‌های مثبت یا تعادلی دیگر خواهد شد. زمانی که انسان انتخابی در مسیر خیر یا شر انجام می‌دهد و هم‌راستا با آن انتخاب، رفتاری بروز می‌دهد، سازوکارهای پویای متأثر از این رفتار فعال شده و جهت دستیابی به اهدافی متناسب موجب تقویت آن می‌شود. این تقویت در ادبیات دینی ما به توفیق، برکت، حمایت از جانب پروردگار، ولایت حق،... و یا برای رفتارهای شر و ناصواب، تحت عنوان مجازات، سلب توفیق، غضب، حاکمیت شیطان،... تعبیر شده است. این مکانیزم‌های تقویت‌کننده در جهت خیر یا شر را می‌توان با الگوهای پویایی‌شناسی سیستم‌ها تبیین و توضیح داد. عوامل و متغیرهای تأثیر گذار، موجب تشکیل و تقویت اثرات جانبی، سپس تشدید مجدد حلقه‌های اصلی سیستم شده و در یک فرآیند بازخوردی، موجبات تغییرات بیشتر سیستم را فراهم خواهد نمود. برخی تصمیمات و انتخاب‌های انسان تحت تأثیر صفات، عادات و ملکات حاکم بر وجود او، جهت مثبت یا منفی خاصی می‌گیرند. این صفات نیز خود بر اثر برخی رفتار گذشته بوجود آمده، تقویت شده و رشد کرده‌اند، مجدد، تصمیماتی که فرد به علت برخورداری از این صفت و ملکات ویژه اتخاذ می‌کند، موجب انتخاب عملی مؤثر بر صفات و عادات فرد خواهد شد. مطابق یافته‌های این پژوهش توصیه می‌گردد به منظور برخورداری از رشدی یکپارچه و پایدار، پرورش همه‌جانبه شاخص‌های رشد موردتوجه قرار گرفته و در راستای رشد هماهنگ همه شاخص‌های رشد، برنامه‌ریزی و اقدام شود.

ابعاد این تحقیق متناسب با چارچوب زمانی تعریف شده، تعیین شده است. به منظور تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود، محققان محترم با مینا قرار دادن مدل بدست آمده و بهره‌گیری از روش‌های ساختاری تفسیری، اقدام به توسعه مولفه‌ها نموده و با افزایش ظرفیت پژوهش، مولفه‌ها و روابط بیشتری را در راستای توسعه مدل مذکور استخراج نمایند. در این شرایط کارایی و دقت مدل افزایش یافته و مبنای شایسته‌ای برای تحلیل‌های جامع‌تر آتی فراهم خواهد شد.

منابع

1. Ismaili Givi, H., & Khatir, S. M. (2018). Identifying strategies to promote the Islamic-Iranian model of progress. *Islamic Management Quarterly*, 26(4), 51-77. (In Persian)
2. Akvan, M. (2008). Man and the factors of the structure of his social life in the interpretation of Al-Mizan. *Religious Studies*, 16, 83-98. (In Persian)
3. Amini, E. (2015). Self-improvement or self-cultivation. *Shafaq Printing* 17, 106. (In Persian)
4. Aminian, M. (2007). Fundamentals of Islamic ethics. Qom: Sahife Kherad. 4, 69. (In Persian)
5. Iman, M. T., & Noshadi M. R. (2011). Qualitative content analysis, research, 2, autumn and winter. (In Persian)
6. Amadi, Abd al-Wahd bin M. (1987). *Tasnif Gharr al-Hakam wa Darr al-Kalam*. Qom: Advertising Office. 1, 239. (In Persian)
7. Bahonar, M. J. (1998). *Men and self-creation*, Islamic Culture Publishing Office, 7th edition, 172. (In Persian)
8. Bararpour K., & others (2014). *Business dynamics*. Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books, Tehran. (In Persian)
9. Behboodi, M. R., Banshi, E., & Nabizad, M. (2019). Recognition of the concept of human resources self-efficacy from the perspective of Nahj al-Balagheh, *Management in Islamic University* 18(2), 422-43. (In Persian)
10. Tavakoli, M. J. (2014). Methodology for compiling the index of human progress based on Quranic discourse, economic knowledge, 2(2), 56-31. (In Persian)
11. Jafari, M., & Nezamirad, S. (2018). Investigating the effect of cultural intelligence and trust on the temporal tendency of public sector decision makers. *Islamic Management*, 26(3), 15-36. (In Persian)
12. Nourbakhsh, J. (1969), *Divan of Shah Nematollah Vali*, Tehran, Nematollahi Monastery, 24. (In Persian)
13. Javadi, M., & Ganjali, A. (2018). The role and functions of intention in Islamic management. *Islamic Management*, 26(2), 157-182. (In Persian)
14. Javadi Amoli, A. (2008). *Principles of ethics in the Qur'an*. Qom: Tebyan Cultural and Information Institute, 363. (In Persian)
15. Hosseini, S. J. (2002). *Self-improvement and self-purification*. Dar al-Thaqalin, first edition, 138. (In Persian)
16. Hamidzadeh, M. R. (2020). *New organizational decision making: theories and models*, Termeh Publications. (In Persian)
17. Hamidzadeh, M. R. (2013). Explaining the software method of strategic knowledge to promote organizational health. *Quarterly Journal of Strategic Management Studies*, 4(13), 125-161. (In Persian)
18. Hamidzadeh, M. R. (2011). Theory of time and futures studies based on the theory of understanding. *Quarterly Journal of Strategic Management Studies*, 2(6), 81-101. (In Persian)
19. Khalilian, M. J., Joshaghani Naeini, S. H., Askari, Q., & Awake. M. (2014). Principles and criteria of human progress from the perspective of Islam, *Knowledge of Islamic Economics*, 4(2), 102-77. (In Persian)
20. Khomeini, R. (1992). *Explanation of forty hadiths*. Tehran: Imam Khomeini Publishing House, 6. (In Persian)
21. Davani, A. (2008). *Translation of Nahj al-Balaghah by Seyyed Razi*, Nahj al-Balaghah Foundation, 1st edition. (In Persian)
22. Ramin, F. (2010). Human free will from the perspective of Sadra and Jaspers. *Journal of Wisdom and Philosophy*, 6(3), 7-32. (In Persian)

23. Rahimian, M. H., & Leader, M. T. (2001). Cultivation rite. Qom: Islamic Propaganda Office Publications. 1, 197. (In Persian)
24. Rostamzadeh Ganji, A., & Dhamahni, M. (2017). Designing a value-based organization model with an Islamic approach. *Journal of Islamic Management*, 26(1), 9-37. (In Persian)
25. Rezaei Manesh, B., & Pourbehrozan, A. (2017). Designing a social capital model based on religious teachings. *Islamic Management*, 26(3), 87-103. (In Persian)
26. Rezaian, A., & Abdollahi, N. (2013). Presenting and explaining the systemic model of human behavior from the perspective of the Holy Quran. *Public Management Outlook*, 16 (4), 89-113. (In Persian)
27. Zaribaf, S. M., Issavi, M., & Khadem Alizadeh, A. (2019). Components of economic decision making system in the framework of the Iranian Islamic model. *Advancement of Islamic Economic Studies*, 12(1), Fall and Winter, 372-345. (In Persian)
28. Forozande Dehkordi, L.A. (2015). Identifying the factors and components of intuition in decision making from the perspective of the Holy Quran. *Management of Government Institutions*, 12 (3), 90. (In Persian)
29. Ghaedi, M. R., & Golshani, A. (2016). Content analysis methods, from quantitative to qualitative, methods and psychological models, 7(23). (In Persian)
30. Laithi, W., Ali Ibn, M. (1997). Eyes of judgment and sermons. Qom: Dar al-Hadith. 1. 254. (In Persian)
31. Mobasheri, M. (2017). Attributes of a perfect human being from the perspective of Quran and narrations. *Sahaba Noor*, 3(2), 13-23. (In Persian)
32. Mohammadi Ray Shahri, (2007). Selected wisdom with Persian translation by Hamid Reza Sheikhi; summary Hamid Hosseini. Qom Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute. (In Persian)
33. Momeni, H. (2018). The role of trust and self-confidence; In *Islamic Management, Islamic Studies and Management*, 4(8), 117-142. (In Persian)
34. Nejati, M., & Othman, A. A. (1993). Quran and psychology, Astan Quds Razavi. Islamic Research Foundation, Third Edition, 402. (In Persian)